



بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) در جوار مرقد مطهر امام راحل (۱) - 14 /خرداد/ 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضين. قال الله الحكيم فی كتابه الكريم: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ اللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا. (۲)

یاد عظمتها و قلّه‌های بلند و پروازهای معنوی انسانهای بزرگ، به دلها آرامش و اطمینان و اعتماد به نفس میبخشد. آیهی شریفه، سکینه و آرامش را در دلهای مسلمانان ناشی از فتح و نصرت الهی میداند و آرامش را و اطمینان را و سکینه‌ی قلبی را مایه‌ی تقویت ایمان و ازدیاد ایمان معرفی میکند؛ دشمن عکس این را و ضدّ این را برای امت اسلامی و برای جامعه‌ی مؤمن و متحرک و پویای ما دنبال میکند.

سی سال است از امام بزرگوار، در مثل چنین روزی سخن میگوییم؛ امام یکی از قلّه‌های بلند است و بعد از این هم ملت ما، امت ما همواره از امام سخن خواهد گفت و شایسته هم همین است؛ زیرا امام، نماد انقلاب است و این کشور بدون موتور پُر قدرت انقلاب به هدفهای خود، به آرزوهای بزرگ خود دست نخواهد یافت.

امسال این هم‌زمانی با ایّام شهادت امیرالمؤمنین، شباهتهایی را به ذهن می‌آورد میان این پیرو صادق، این پیرو حقیقی امیرالمؤمنین و آن پیشوای والا و بزرگ؛ شباهتهایی وجود دارد که مایه‌ی افتخار ملت ایران و امت اسلامی است؛ توجّه به این شباهتها مهم و مفید است برای پیدا کردن راه درست و همچنین برای آشنایی بیشتر با امام بزرگوارمان. من سه سرفصل را در مورد این شباهتها آماده کرده‌ام که مطرح کنم.

یک سرفصل این است که در امیرالمؤمنین دو خصوصیت ظاهراً متضاد جمع شده بود؛ یکی صلابت و ایستادگی و شدت، و یکی لطافت و صفا و رقت؛ این هر دو در امیرالمؤمنین - در اوج و در کمال خود - وجود داشت. صلابت و شدت در برابر هر حرکت نابه‌حق؛ در برابر ظلم، در برابر ظالم، در برابر انحراف از راه خدا، در برابر طغیانگری، در برابر اغواگری؛ در مقابل اینها امیرالمؤمنین با منتهای صلابت و استحکام می‌ایستاد که نظیر آن تا امروز دیده نشده است. در مقام مواجهه‌ی با ذکر الهی و یاد الهی از سویی، و در برخورد با مظلومین و محرومان و ضعفا و مستضعفان از سوی دیگر، در نهایت لطافت و رقت عمل میکرد. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در برابر معاویه، با آن صلابت برخورد کرد؛ مشورت به امیرالمؤمنین دادند که مدتی صبر کنید و معاویه را از استانداری شام عزل نکنید؛ زیر بار نرفت. صلابت امیرالمؤمنین در مقابل آن دو صحابی قدیمی و موّجه و بسیار آبرومند که توقعاتی داشتند و چیزهایی میخواستند که به نظر امیرالمؤمنین نابه‌حق بود؛ زیر بار توقعات آنها نرفت و با کمال صلابت و ایستادگی، مقاومت کرد. در برابر خوارج که مدّعی اسلام بودند و در مقابل امیرالمؤمنین که میزان حقیقی اسلام بود، ایستاده بودند، در مقابل اینها و کج‌روی‌های اینها و کج‌فهمی‌های اینها، امیرالمؤمنین در نهایت استحکام و صلابت ایستاد. از یک طرف، یک چنین صلابتی را انسان از این انسان والا و ولی بزرگ خدا مشاهده میکند.



اما از طرفی هم در مقابل ضعف، در مقابل مستضعفان آن چنان رقتی، آن چنان لطافتی، آن چنان صفائی از امیرالمؤمنین دیده میشود که انسان متحیر میماند. داستان رفتن به خانه‌ی آن همسر شهیدی که یتیمانی دارد - به صورت ناشناس - و رفتن کنار تنور و نان پختن برای آنها و سرگرم کردن کودکان آنها، داستان معروفی است و شنیده‌اید؛ انسان حیرت میکند از این همه لطافت! یا در ماجرای حمله‌ی به استان انبار عراق که اشرار سپاهیان شام حمله کردند و استاندار امیرالمؤمنین را به قتل رساندند و به خانه‌های مردم حمله کردند، کودکان را کشتند، زنها را تهدید کردند، امیرالمؤمنین میفرماید که «فَلَوْ أَنَّ امْرَأَ مَسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا اسْفًا مَا كَانَ بِهٖ مَلُومًا»؛ (۳) انسان مسلمان از اینکه بشنود بیگانگان به خانه‌ی مردم بی‌دفاع حمله کرده‌اند و زیورها و زینتهای زنان را از آنها گرفته‌اند، اگر از غصه و از تأسف بمیرد، او را ملامت و سرزنش نباید کرد؛ یعنی شایسته است. ببینید؛ نسبت به دفاع از حقوق ضعفای یک چنین احساس عجیب و شگفت‌آوری را انسان از امیرالمؤمنین مشاهده میکند! این دو خصوصیت متضاد در امیرالمؤمنین.

در امام راحل ما، عیناً همین دو خصوصیت مشاهده میشود. از یک سو صلابت، استحکام، ایستادگی محکم در مقابل ستمگران، در مقابل بدی‌ها. در مقابل رژیم منحط و طاغوتی و فاسد پهلوی مثل صخره‌ی مستحکمی ایستاد؛ در مقابل آمریکا مثل کوه ایستاد؛ در برابر تهدیدها، در برابر صدام متجاوز در جنگ تحمیلی و دفاع هشت‌ساله، در برابر فتنه‌های داخلی، حتی در برابر شاگرد قدیمی و صحابی قدیمی خود به خاطر اینکه رفتار او را برخلاف حق مشاهده میکرد، بدون هیچ ملاحظه‌ای ایستاد؛ این صلابت امام.

از طرف دیگر، رقت و لطافت امام بزرگوار را انسان مشاهده میکند. پیغامی از مادر شهید به آن بزرگوار میرسد، بنده خودم پیامی را از یک مادر شهیدی برای امام بزرگوار بردم، آن مرد باصلابت، چشمانش پُر از اشک شد! تأثر در مقابل پیغام ارادت و فداکاری و گذشت مادر شهید؛ و دفاعش از مستضعفان، از پابرهنگان که در کلمات امام بزرگوار فراوان است. این یک سرفصل و شباهت عجیب امام بزرگوار به پیشوای متقیان.

سرفصل دوم. در امیرالمؤمنین یک پدیده‌ی شگفت‌آوری وجود دارد؛ سه خصوصیت بظاهر ناسازگار در امیرالمؤمنین جمع شده است. امیرالمؤمنین، هم انسان قوی و مقتدری است، انسان قدرتمندی است، هم درعین حال مظلوم است، و هم درعین حال در حوادث گوناگون پیروز نهایی است؛ این سه خصوصیت در امیرالمؤمنین و در حالات آن بزرگوار مشهود است.

اقتدار و قوت امیرالمؤمنین را اگر بخواهیم درست بفهمیم، باید نگاه کنیم به گستره‌ی وسیع محل حکومت امیرالمؤمنین؛ آن کشور با عظمتی که تحت مدیریت امیرالمؤمنین اداره میشد؛ از منتهای شرق افغانستان کنونی تا کنار دریای مدیترانه و مصر - همه‌ی این منطقه‌ی وسیع - تحت مدیریت امیرالمؤمنین اداره میشد؛ با کمال قدرت و استحکام. اراده‌ی پولادین او، شجاعت و هنر نظامیگری او، زبان قوی و منطق جذاب او - که کلمات امیرالمؤمنین و خطبه‌های پرشور و سرشار از حکمت او تا امروز درسهای نورانی برای دل‌های آحاد بشر است - نشانه‌های اقتدار است؛ بازوی قوی، فکر قوی، اراده‌ی قوی، مدیریت قوی، زبان قوی؛ یک انسان قوی و مقتدر.

درعین حال، همین انسان قوی، مظلوم است؛ نشانه‌های مظلومیت او در رفتار دشمنان، در رفتار حسودان، در



تهدمتهای ناجوانمردانه‌ای که عوامل دشمنانش به امیرالمؤمنین در زمان حیات او وارد آوردند، در خواصّ دل‌به‌دنیا سپرده‌ی او - که بعضی از نزدیکانش و خواصّش به خاطر دنیاطلبی از او جدا شدند - است. اینها نشانه‌ی مظلومیت آن بزرگوار است. این فشار واردآمده‌ی از جوانب مختلف بر این انسان بزرگ تا حدّی است که گاهی این انسان صبور و دریادل و شکیبا، آن‌طوری که معروف است با چاه درددل میکند، با چاه حرف میزند؛ این نشان‌دهنده‌ی مظلومیت امیرالمؤمنین است. بعد از رحلت او و شهادت او هم تا سالهای متمادی، دشمنان او که بر اریکه‌ی حکومت، بر سلطنت مسلط شده بودند، در سرتاسر کشور اسلامی وسیع بر سر منابر به او اهانت میکردند و [نسبت] به امیرالمؤمنین - مجسمه‌ی تقوا و عدالت و دادگری - بدگویی میکردند.

درعین حال انسان وقتی مجموع قضایا را نگاه میکند، میبیند در این مصاف طولانی، پیروز نهایی، امیرالمؤمنین است. امروز شما ملاحظه کنید نام امیرالمؤمنین، شخصیت امیرالمؤمنین در آفاق عظیم بشر و تاریخ انسان کجا است؛ در اوج است و از دشمنان او خبری نیست. نهج‌البلاغه‌ی او درس انسانهای والا است؛ سیره‌ی او برجسته‌ترین و درخشان‌ترین سیره‌ی یک انسان بعد از نبیّ مکرّم اسلام است؛ عدالت او، عبادت او و شخصیت عظیم او امروز در دنیا برجسته است؛ راه او بر راه دشمنانش پیروز شده است و پیروز نهایی، امیرالمؤمنین بود.

همین سه خصوصیت در امام بزرگوار ما، در امام راحل نیز جمع شده بود. امام بزرگوار یک انسان قوی و مقتدر بود؛ انسانی که توانست حکومت طاغوتی دیکتاتوری وراثتی را بعد از دو هزار سال، در این کشور وسیع و بزرگ از اریکه‌ی قدرت به زیر بکشد؛ این خیلی قدرت میطلبد؛ نشانه‌ی قوّت فوق‌العاده‌ی امام بزرگوار است. توانست آمریکا را که منافع حیاتی برای خود در اینجا تعریف کرده بود، شکست بدهد و به عقب‌نشینی وادار کند؛ توطئه‌ها را خنثی کند؛ و طراحان جنگ تحمیلی را ناکام بگذارد. آن کسانی که جنگ تحمیلی را طراحی کرده بودند، غرضشان نابود کردن انقلاب و ریشه‌کن کردن نظام اسلامی بود؛ امام بزرگوار از این تهدید، یک فرصت به وجود آورد؛ اینها نشانه‌ی قوّت و قدرت و اقتدار امام بزرگوار است.

درعین حال امام بزرگوار ما مظلوم بود، به خاطر تبلیغات گسترده‌ی دشمنان علیه او؛ تبلیغات اهانت‌بار به‌طور مداوم در زمان حیاتش و تا مدتها بعد از رحلتش ادامه داشت؛ رفتارهایی از کسانی که آن رفتارها از آنها توقع نمیرفت، نسبت به امام بزرگوار انجام گرفت که این نشانه‌ی مظلومیت امام بزرگوار بود و دل‌تنگی‌های امام را انسان میتواند از لابه‌لای سخنان مستحکم و پُرصلابت او در مجموعه‌ی بیاناتش پیدا کند که نشان میدهد این مرد بزرگ، دل‌تنگی‌های بسیاری هم داشته است؛ این هم مظلومیت او است.

و پیروزی نهایی امام بزرگوار هم آن نقطه‌ی بعدی است؛ آن اقتدار، آن مظلومیت، آن پیروزی. مثل امیرالمؤمنین، امام بزرگوار هم پیروز شد. پیروزی او، در استحکام نظام اسلامی، در بقای نظام اسلامی و در رشد و توسعه و پیشرفت نظام اسلامی خودش را نشان میدهد؛ بسیاری از آرزوهای امام، بعد از رحلت امام تحقق پیدا کرد؛ خودباوری کشور، خودکفائی کشور، پیشرفت علمی و فناوری کشور، پیشرفت سیاسی کشور، توسعه‌ی صفحه‌ی نفوذ کشور و جمهوری اسلامی در منطقه‌ی وسیع غرب آسیا و شمال آفریقا؛ اینها چیزهایی بود که اتفاق افتاد و این پیروزی گفتمان امام و راه امام و روش امام بود. بسیاری از این آرزوها تحقق پیدا کرده است و بسیاری دیگر از آرزوهای امام باذن‌الله تحقق پیدا خواهد کرد و جمهوری اسلامی امام بزرگوار ما روزبه‌روز اعتلاء و عظمت بیشتری خواهد یافت و همین است که دشمنان را دستپاچه و عصبی کرده است. عزیزان من، جوانان عزیز، ملت بزرگ ایران!



حرکاتی که شما از دشمن مشاهده میکنید، نشانه‌ی دستپاچگی و آشفتگی دشمن است، نشانه‌ی عصبی شدن دشمن است، نشانه‌ی اقتدار او نیست. آنچه از دشمن امروز علیه جمهوری اسلامی سر میزنند، از سر اقتدار نیست؛ به خاطر این است که از پیشرفت جمهوری اسلامی، از عظمت جمهوری اسلامی، از ایستادگی ملت ایران آشفته است، عصبی است، دستپاچه است؛ این حرکات، ناشی از آن است.

سرفصل سوّم. نشانه‌شناسی دشمنان امیرالمؤمنین، این هم درس آموز است. جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین را شما ملاحظه کنید که در تاریخ مشخص شده است: قاسطین، ناکثین، مارقین. قاسطین یعنی دشمنان بنیانی حکومت امیرالمؤمنین؛ ناکثین یعنی همراهان سست‌نهاد و سست‌بنیادی که بیعت را زیر پا گذاشتند به خاطر زخارف (۴) دنیوی، به خاطر هوسها و آلودگی‌های دنیایی؛ و مارقین [یعنی] کج‌فهم‌ها و نادانها و جاهلهایی که به خیال اسلام، به خیال تبعیت از قرآن، در مقابل قرآن مجسم که امیرالمؤمنین است ایستادند؛ این جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین است. قاسطین که دشمنان بنیانی بودند، با اصل حکومت امیرالمؤمنین مخالف بودند و بعدها تاریخ نشان داد که بدیلی که اینها برای حکومت امیرالمؤمنین میتوانستند ارائه کنند چه بود: حجّاج بن یوسف‌ها و عبیدالله‌زیادها و یوسف بن عمر ثقفی‌ها کسانی بودند که از طرف آن قاسطین، از طرف آن دشمنان بنیادین، جایگزین حکومت عدل علوی شدند. سهم‌خواهان و دنیاطلبان هم به‌نحو دیگری و کج‌فهم‌ها هم به‌نحو دیگری. البته کج‌فهمی مربوط به توده‌های مارقین بود و رؤسای آنها احتمالاً با دشمنان بی‌زدوبند نبودند کمااینکه در تاریخ چنین چیزی را در مورد خوارج میگویند و ادّعا میشود.

در مورد امام بزرگوار هم همین سه جبهه وجود داشتند، یعنی جبهه‌ی مخالفین امام راحل هم از این سه بخش ترکیب شده است. آمریکا، رژیم صهیونیستی و وابستگان آنها در داخل، قاسطین در مقابل امام بزرگوار ما بودند. اینها کسانی بودند که با اصل حکومت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و حاکمیت انسانی مثل امام بزرگوار مخالف بودند؛ آنها هم دنبال جایگزین برای این حکومت بودند و هستند؛ جایگزینهای آنها هم حجّاج بن یوسف‌های امروزند؛ آنها هم معلوم است که چه کسانی [هستند]. در جبهه‌ی مخالفین امام، ناکثین یعنی بیعت‌شکنان، همان همراهان سست‌کمربندند. وای از آن همراهان سست‌کمربند که در مقابل خواسته‌های دنیایی نتوانستند مقاومت کنند! میدان تساقّ الی‌الخیرات (۵) را تبدیل کردند به میدان جنگ برای قدرت و جنگ برای دستیابی به حطام (۶) دنیوی! در بین آنها هم همه‌جور [بودند]؛ در زمان امیرالمؤمنین، هم امثال طلحه و زبیر بودند، هم افراد کوچکی در این جمع ناکثین وجود داشتند. در زمان امام هم قضیه همین بود و امام بزرگوار در مقابل این جبهه‌ی گسترده‌ی وسیع متنوع ایستاد. مارقین - ناآگاه‌ها - آن کسانی بودند که در مقابل امام بزرگوار ما، موقعیت کشور را، موقعیت انقلاب را، موقعیت ملت ایران را نفهمیدند، جبهه‌بندی دشمنان را نشناختند، شیوه‌های دشمنی دشمنان را درک نکردند، به چیزهای کوچک سرگرم شدند، عظمت حرکت امام را نتوانستند تشخیص بدهند. اگر نمونه‌هایی را بخواهیم مشاهده کنیم، در این دوران ما امثال گروه‌های داعش و مانند اینها، و در اول انقلاب، گروه‌های منافقین و اشباه آنها [بودند] که رؤسایشان خائن و زیردست‌هایشان - طبقات پایینشان - جاهل و فریب‌خورده بودند.

این سه گروه و دشمنی این سه گروه، مخصوص زمان امام هم نبود، بعد از امام هم استمرار پیدا کرده است. امروز هم همین سه گروه در مقابل نظام اسلامی و میراث بزرگ امام که جمهوری اسلامی است، صف‌آرایی کرده‌اند و مبارزه و مقاومت و ایستادگی جمهوری اسلامی از تعرض آنها جلوگیری کرده است. البته این جبهه‌ی مختلط، با همه‌ی توانشان سعی میکنند در مقابل جمهوری اسلامی اخلاص‌گری کنند؛ مشکلاتی درست میکنند، حرکت ملت ایران



را دشوار میکنند، کند میکنند، اما نمیتوانند جلوی پیشرفت ملت ایران را بگیرند.

خدا را سپاسگزاریم که در دورانی زندگی میکنیم که یک انسان بزرگی را دیدیم که با مولای متقیان و رهبر آزادگان تاریخ، امیرالمؤمنین، این شباهتها را داشت و توانست محصول این عظمت خود را برای ملت ایران باقی بگذارد.

خب، حالا دلها آماده است، ذهنها آماده است؛ امام (رضوان الله علیه) چگونه با این وضعیّت مواجه میشد؟ الگوی امام چگونه است؟ این را من خیلی کوتاه و مختصر عرض کنم؛ اینها برای ما درس است. من چند خصوصیت را در الگوی رفتاری امام بزرگوار، با این وضعیّت ذکر میکنم.

اولاً امام در مواجهه‌ی با این دشمنی‌ها و دشمنان، برخورد شجاعانه و فعال داشت، برخورد از روی ضعف و انفعال نداشت؛ امام هرگز منفعل نشد؛ نه احساس ضعف کرد و نه از خود ضعف نشان داد؛ در مقابل دشمنان، قدرتمندانه و به صورت فعال ایستاد.

دوم: امام از هیجان زدگی پرهیز میکرد؛ امام در مقابل حوادث، هیجان زده نمیشد و تکیه به احساسات خالی از عقلانیّت نمیکرد؛ تصمیم‌های امام، تصمیم‌های شجاعانه و همراه با احساسات محکم بود اما مبتنی بر محاسبات عقلانی.

سوم: امام اولویّتها را رعایت میکرد؛ تمرکز بر اولویّتها میکرد. فرض بفرمایید در دوران مبارزات، اولویّت امام مقابله‌ی با رژیم سلطنت بود و مسائل حاشیه‌ای را وارد میدان کار خود نمیکرد؛ در دوران جنگ تحمیلی، اولویّت امام مسئله‌ی جنگ بود؛ امام بارها این را فرموده بودند که جنگ در رأس امور است، دفاع مقدّس در رأس امور است، (۷) و واقع هم همین بود. متمرکز بر یک مسئله‌ی دارای اولویّت میشد و حواشی را وارد میدان اهتمام خود نمیکرد. در اوّل انقلاب - در همان روزهای اوّل و هفته‌های اوّل - در رفتار امام، انسان با شگفتی مشاهده میکند تکیه‌ی امام بر قانون اساسی، بر ایجاد نظام، بر ترتیبات قانونی و بر این چیزها بود؛ یعنی بر روی آن نقطه‌ی اصلی متمرکز میشد.

چهارم: اعتماد به توانایی‌های مردم؛ امام، ملت ایران را ملت بزرگ و آگاه و توانایی میدانست، به آنها اعتماد میکرد، به آنها خوش‌بین بود؛ مخصوصاً به جوانان. مشاهده کنید در فرمایشات امام که چقدر نسبت به ملت خوش‌بین است، نسبت به جوانان خوش‌بین است.

پنجم: بی‌اعتمادی به دشمن؛ امام در طول ده سال حضور بابرکت خود در رأس نظام اسلامی، یک لحظه به دشمن اعتماد نکرد؛ به پیشنهادهای دشمن بدبین بود؛ به تظاهرات (۸) آنها بی‌اعتنا بود؛ دشمن را به معنای واقعی کلمه، دشمن میدانست و به او اعتماد نمیکرد.

ششم: اهتمام به همبستگی و اتحاد ملت؛ این هم یکی از خصوصیات الگوی رفتاری امام در مقابل این دشمنی‌ها بود. هر چیزی که ملت را به دو دسته تقسیم کند، به دو قطب تقسیم کند، از نظر امام مردود بود.

هفتم: ایمان و اعتقاد راسخ به نصرت الهی و به وعده‌ی الهی؛ این هم آن نقطه‌ی اصلی. اتکاء امام به نصرت الهی



بود؛ همه‌ی تلاش خود را میکرد، با همه‌ی وجود در میدان بود، اما امید او بسته‌ی به نصرت الهی و به قدرت الهی و تکیه‌ی او به قدرت الهی بود. امام به اِحدى الحُسَیِّین اعتقاد واقعی داشت - ما لنا الا اِحدى الحُسَیِّین - (۹) و معتقد بود که اگر کار را برای خدا بکنیم، در ضرر بسته است؛ اگر کار برای خدا انجام بگیرد، هیچ‌گونه ضرری متوجه و عاید نخواهد شد؛ یا پیشرفت میکنیم، یا اگر پیشرفت هم نکردیم، کاری را که وظیفه‌ی ما بوده است انجام داده‌ایم و در مقابل پروردگار سرفرازیم.

من به شما عرض میکنم برادران عزیز، خواهران عزیز و ملت بزرگ ایران! ما بعد از امام، همان راه امام را موبه‌مو دنبال کرده‌ایم و ان شاءالله خواهیم کرد: دچار انفعال و ضعف نمیشویم و به حول و قوه‌ی الهی در برابر زیاده‌خواهی و زورگویی بیگانگان و دشمنان می‌ایستیم؛ هیجان‌زده و احساساتی تصمیم نمیگیریم، به جای متن به حاشیه‌هایی که برایمان می‌سازند اعتنا نمیکنیم و وارد حواشی نمیشویم، سرگرم نمیشویم؛ اولویتهایمان را به توفیق الهی و به هدایت الهی تشخیص میدهیم؛ و به امید خدا به مردمان و به توانایی‌های آنها و به جوانان عزیزمان اعتماد میکنیم؛ و به دشمن مطلقاً اعتماد و اطمینان نمیکنیم؛ مردم عزیزمان را از دودستگی و دوقطبی برحذر میداریم؛ و به نصرت الهی هم اطمینان داریم. شک نداریم که ملت ایران، با این انگیزه، و با این احساسی که امروز دارد حرکت میکند، با این ایمان، با این امید، قطعاً به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی پیروز خواهد شد.

نقشه‌ی دشمن را هم می‌شناسیم؛ نقشه‌ی دشمن را کاملاً میدانیم چیست و آن نقشه را برای مردم افشا میکنیم؛ و البته مردم عزیز ما خودشان خیلی چیزها را میدانند و میفهمند و حس میکنند. امروز نقشه‌ی دشمن این سه چیز است: فشار اقتصادی، فشار روانی، و فشار عملی؛ هدف هر سه نوع فشارهای دشمن هم سیطره‌ی بر کشور عزیز ما ایران است، همچنان که بر بعضی از کشورهای بدبخت روسیاه منطقه سیطره و تسلط دارد.

فشار اقتصادی، تحریم است، جلوگیری از همکاری کشورها در زمینه‌های اقتصادی با ما است؛ این فشارها را وارد میکنند. نتیجه‌ای که آنها میخواهند از فشار اقتصادی بگیرند، این را درست توجه کنید! مسئله‌ی آنها از فشار اقتصادی و تحریم، صرفاً زیر فشار قرار دادن دستگاه دولت و حکومت نیست؛ میخواهند ملت ایران را به ستوه بیاورند به خیال خودشان؛ میگویند ملت ایران را به ستوه بیاوریم تا نظام اسلامی ناچار بشود تسلیم زورگویی‌های ما بشود؛ هدفشان این است. نه ملت را شناختند، نه نظام را شناختند؛ این فشار اقتصادی است با این هدف، که این هدف به توفیق الهی و به فضل الهی و با تلاش مسئولین و با همت مردم، ان شاءالله بکلی ناکام خواهد ماند.

اما فشار روانی؛ این خیلی نکته‌ی حائز توجه و مهمی است. نقاط قوت جمهوری اسلامی را، نقاط قوتی که برای کشور و برای ملت مایه‌ی اقتدار و مایه‌ی تقویت است نشان کرده‌اند و آنها را در تبلیغات و در برخوردها به عنوان نقاط چالش‌آفرین معرفی میکنند؛ برای اینکه ملت ایران را نسبت به آنها دلسرد کنند.

فرض بفرمایید یکی پیشرفت هسته‌ای است. پیشرفت هسته‌ای، افتخار فتاوری کشور بوده است. پیشرفت هسته‌ای در کشور، مایه‌ی افتخار فتاوری و دانش فتی کشور بوده، استعداد جوانهای ما را مشخص کرده؛ چیز کوچکی نیست. شاید یادتان باشد آن روزی که ما احتیاج داشتیم به اورانیوم غنی‌سازی شده‌ی بیست درصد برای علاج بیماری‌ها؛ موجودی بیست درصد ما نزدیک تمام شدن بود و بایستی آن را تهیه میکردیم. از کجا تهیه کنیم؟ بایستی از کشورهای بیگانه - مثل آمریکا، مثل اروپا و امثال اینها- این را تهیه میکردیم که انواع و اقسام اشکالات را سر راه ما



گذاشتند، انواع و اقسام شروط و موانع را سر راه ما گذاشتند؛ برای اینکه فهمیدند ما احتیاج داریم. وقتی یک ملت به یک چیزی احتیاج دارد، احتیاج حیاتی دارد، شرایط فروشنده را، تحمیلات فروشنده را ناچار قبول میکند؛ اینها از این فرصت خواستند استفاده کنند و پی‌درپی شرط و شروط برای ما گذاشتند؛ ماه‌ها، شاید بیش از یک سال گفتگوها و رفت‌وآمدها و حرف زدن‌ها طول کشید؛ عقب‌نشینی نمی‌کردند، توقعات خودشان را تکرار می‌کردند. جمهوری اسلامی به جوانهای خودش اعتماد کرد و این را از آنها خواست. جوانهای ما دست‌به‌کار شدند و توانستند در مقابل چشمهای متعجب آنها، اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را خودشان در داخل تولید کنند و به وجود بیاورند؛ بدون اینکه الگویی از بیرون داشته باشند! آنها را حیرت‌زده کرد؛ مسئله این‌جوری است. قدرت حرکت علمی و فتاوری متخصصین ما، دانشمندان ما، جوانان ما - که الان همان دانشمندان در کشورند، همان جوانان در کشورند، حضور دارند - دشمن را عصبی کرد، خشمگین کرد؛ خب این یک نقطه‌ی قوت بسیار بزرگ برای کشور است؛ هم آبرو و مایه‌ی اعتبار است، هم در عمل، موجب پیشرفت کشور است. این را که یک نقطه‌ی قوت ملی است، آمدند در تبلیغات انبوه و متراکم خودشان، در ذهن بعضی‌ها تبدیل کردند به نقطه‌ی چالش‌آفرین و نقطه‌ی ضعف؛ گفتند که مسئله‌ی هسته‌ای کشور موجب تنش است، موجب چالش است، موجب فشار دشمنان است، چه فایده‌ای برای ما دارد! نقطه‌ی قوت را تبدیل میکنند به یک نقطه‌ی چالش‌آفرین برای اینکه این نقطه‌ی قوت را سلب کنند، از او بگیرند؛ این یکی از کارها؛ این کار روانی است، این یک کار روانی کاملاً ریشه‌ای و مهم است که یک ملت را نسبت به دستاوردهای بزرگ خودش بدبین کند.

یک مثال دیگر، همین مسئله‌ی موشکی است. ساخت موشکهای گوناگون و اقتدار موشکی، موجب ایجاد امنیت در کشور است. جوانهای ما یادشان نیست، همین شهر تهران در زیر آتش موشکهای شبانه‌روزی دشمن می‌سوخت! خانه‌ها خراب میشد، انسانها کشته میشدند؛ در شهر تهران! شهرهای جبهه - مثل دزفول، مثل اهواز، مثل شوش و بقیه‌ی شهرها - که جای خود دارد؛ حتی تا شهرهای دوردست، موشکهای دشمن میرسید! ما موشک نداشتیم، وسیله‌ی دفاع نداشتیم، مجبور بودیم دستمان را روی هم بگذاریم، تماشا کنیم! امروز جوانان ما توانسته‌اند به قدرت موشکی اول منطقه تبدیل بشوند. دشمن میدانند که اگر یکی بزند، ده تا می‌خورد. پس موشک، مایه‌ی امنیت و نقطه‌ی قوت است. ببینید؛ دشمن روی مسئله‌ی موشکی متمرکز میشود. یک عده‌ای هم متأسفانه در داخل با دشمن هم‌صدا میشوند که «آقا چه فایده‌ای دارد؟».

یکی دیگر از نقاط قوت ما، مسئله‌ی عدالت‌خواهی بین‌المللی جمهوری اسلامی است؛ این برای جمهوری اسلامی آبرو است. اینکه جمهوری اسلامی طرف‌دار ملت‌های مظلوم باشد، آبرو است؛ اینکه طرف‌دار ملت فلسطین باشد، یک آبرو است. جمهوری اسلامی نیروی مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی را در منطقه تقویت کرده است. دشمنانی را، عوامل مزاحم و مضر را - به نام داعش و جبهه‌التصره و امثال اینها - در عراق و در سوریه درست کردند؛ جمهوری اسلامی از نیروی مقاومت در این منطقه حمایت کرد؛ این عدالت‌خواهی است؛ این دفاع از ملت فلسطین است؛ این دفاع از استقلال کشورهای منطقه است، دفاع از تمامیت ارضی کشورها است. این نقطه‌ی قوت است. این نقطه‌ی قوت را به‌عنوان دخالت جمهوری اسلامی، به یک مسئله‌ی چالش‌آفرین تبدیل میکنند و وانمود میکنند و معرفی میکنند و روی آن تکیه میکنند؛ این وضعی است که امروز ما با دشمن داریم. عواملشان در داخل هم متأسفانه مشغولند؛ یک روز در خیابانهای تهران به مناسبت روز قدس که روز دفاع از فلسطین است، شعار «نه غزه، نه لبنان» دادند. کمک‌کنندگان به جنگ روانی دشمن در داخل، موجودات بدی هستند، موجودات حقیری هستند؛ این سرافکندگی دارد.



امروز هم کسانی درصدد این هستند که یک شکل معیوب از برج‌ام را بر کشور تحمیل کنند؛ دولت‌های خارجی دنبال این هستند و یک عده‌ای در داخل تبلیغ میکنند که اگر این نشود، جنگ خواهد شد؛ نه آقا، این دروغ است، این تبلیغ به نفع دشمن است. هدف دشمن معلوم است؛ دشمن درصدد آن است که ما از نقاط قوت خودمان صرف‌نظر کنیم، از عناصر اقتدار ملی خودمان دست برداریم تا راحت‌تر بتواند بر کشور ما، بر ملت ما، بر سرنوشت ما و آینده‌ی ما مسلط بشود؛ یک چنین فکری را آنها کرده‌اند و ملت در مقابل این حرکت ایستاده است؛ این فشار روانی.

و اما فشار عملی، که [درباره‌ی] این هم فقط یک جمله به همه‌ی ملت عزیزمان عرض میکنم در سرتاسر کشور؛ فشار عملی‌شان عبارت است از اینکه در کشور آشوب ایجاد کنند؛ این برنامه‌ی قطعی آنها است که البته سر آنها به سنگ خواهد خورد؛ همچنان که تا حالا خورده است. نقشه‌ی دشمن این است که از مطالبات مردمی سوءاستفاده کنند. ممکن است در یک شهری، در یک نقطه‌ای از کشور یک عده‌ای مطالبه‌ای داشته باشند، جمع بشوند، دنبال مطالباتند؛ مثلاً کارگرانی هستند، دنبال مطالبات کارگری‌اند؛ یا مردمی در یک شهری، دنبال مطالبات شهری خودشان هستند. دشمن در یک چنین مواردی نقشه میکشد، عوامل نفوذی خود را، در واقع اشرار و انسان‌های خبیثی را به تعداد معدودی در این اجتماعات وارد میکنند تا اجتماعات آرام مردم را تبدیل کنند به حرکت ضد امنیتی و حرکت آشوبگرانه تا به این وسیله کشور را و ملت را و نظام جمهوری اسلامی را بدنام کنند؛ این را مردم در سراسر کشور توجه داشته باشند؛ این نقشه‌ی دشمن است، ما خبر داریم؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند برای این کار؛ البته به گمان من بلکه به اعتقاد راسخ من، اینها کور خوانده‌اند و مردم عزیز ما در مقابل آنچه آنها برنامه‌ریزی کرده‌اند، با قدرت، با شهامت، با هوشیاری خواهند ایستاد. و من توصیه میکنم مردم عزیز ما همچنان که تا امروز هشیاری خودشان را حفظ کرده‌اند، باز هم حفظ کنند.

حضور مردم در صحنه بسیار مهم است. روز قدس نزدیک است؛ روز جمعه، روز قدس است؛ دنیا حضور مردم را در روز قدس خواهد دید. به توفیق الهی، این روز قدس با وجود اینکه مردم روزه هستند و هوا گرم است - با دهان روزه مثل همه‌ی روزهای قدس دیگر - از روزهای قدس سالهای گذشته، قوی‌تر و پُرشورتر برگزار خواهد شد.

اسمی از برج‌ام آوردم؛ یک جمله‌ی کوتاه راجع به برج‌ام بگویم. از برخی حرف‌های بعضی از دولت‌های اروپایی این جور برمی‌آید که اینها توقع دارند ملت ایران، هم تحریم‌ها را تحمل کند و با تحریم‌ها دست‌وپنجه نرم کند، و هم از فعالیت هسته‌ای خود که نیاز قطعی آینده‌ی کشور است دست بکشد و این محدودیتهایی را که بر او تحمیل کرده‌اند ادامه بدهد. من به این دولت‌ها میگویم بدانند که این خواب آشفته، تعبیر نخواهد شد؛ ملت ایران و دولت ایران، این را تحمل نخواهند کرد که هم تحریم باشند، هم در محدودیت هسته‌ای و حبس هسته‌ای قرار داشته باشند؛ این نخواهد شد. سازمان انرژی هسته‌ای موظف است سریعاً مقدمات و آمادگی‌های لازم را برای رسیدن به ۱۹۰ هزار سو - فعلاً در چهارچوب برج‌ام - فراهم بکند و برخی مقدمات دیگر را که رئیس‌جمهور محترم دستور آن را دادند، از همین فردا آغاز کند. چند جمله خطاب به جوانان عرب میخواهم اینجا در حضور شما عرض بکنم:

و أحبّ أن أخطب الشّباب الغیاری العرب فی خاتمة حدیثی هذا؛ و أقول لهم: إنّ شعوبکم الیوم تعقد الأمل علیکم، أنتم أيّها الشّباب! أعدوا أنفسکم لغدٍ تنعم فیهِ بئدانکم بالحریة و التّقدّم و الاستقلال. الخضوع للهیمنة الأمريكيّة، عدم اتّخاذ موقف حازم و حاسم من العدو الصّهیونی الغاصب، المواقف العدائیة من الإخوة، والتّزلّف للأعداء، کلّ ذلك قد



جعل من بعض الحكومات العربية عدوة لشعوبها. و أنتم أيها الشباب تتحملون مسؤولية إلغاء هذه المعادلة الباطلة.

أدعوكم أيها الأعداء إلى أن تكونوا مُفعمين بالأمل و الابتكار و العمل و بناء شخصياتكم. اهتموا ببناء شخصياتكم. المستقبل يكون لكم إن كنتم أنتم الذين بينونه اليوم. إن بنيتم المستقبل فتنعمه سيعود عليكم. لا تهابوا هيمنة عالم الكفر، وثقوا بوعد الله عزوجل و هذا قوله سبحانه و تعالى يقرر بكل صراحة و وضوح: أم يريدون كيداً فالذين كفروا هم المكيدون. (١٠) يوم الجمعة هو يوم القدس، و الدفاع فيه عن الشعب الفلسطيني المقاوم و المجاهد و المضحي خطوة رحبة على هذا الطريق. ادعو الله تعالى لكم و لتوفيقكم و لبقاء صمودكم في هذا الطريق الواضح. (١١)

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

- (١) این مراسم در روز نوزدهم ماه مبارک رمضان در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) برگزار شد.
- (٢) سوره‌ی فتح، آیه‌ی ٤؛ «او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خدا است، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.»
- (٣) نهج البلاغه، خطبه‌ی ٢٧
- (٤) زیور و زینت ظاهری
- (٥) بر یکدیگر پیشی گرفتن در کارهای خوب و اجرهای اخروی
- (٦) خرده‌ها و ریزه‌های هر چیز چون گیاهان و کاه و مانند آنها؛ کنایه از مال و ثروت
- (٧) از جمله، بیانات در جمع نمایندگان مجلس ١٣٦١/١١/٤ (صحیفه‌ی امام، ج ١٧، ص ٢٥٤)
- (٨) رفتارهای ظاهری، ظاهرسازی
- (٩) برای ما جز یکی از دو نیکی نیست (برگرفته از قرآن کریم؛ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ٥٢)
- (١٠) سوره‌ی طور، آیه‌ی ٤٢
- (١١) ترجمه‌ی بخش عربی:

علاقه‌مندم جوانان غیرتمند عرب را مخاطب قرار دهم و به آنها بگویم: امروز چشم امید ملت‌های شما به شما جوانان است. خودتان را برای فردایی آماده کنید که کشورهای شما در آن از نعمت‌های آزادی، پیشرفت و استقلال بهره‌مند شوند. زیر بار سلطه‌ی آمریکا رفتن، عدم موضع‌گیری قاطع در برابر دشمن صهیونیستی غاصب، مواضع دشمنانه با برادران، و تملق به دشمنان، همه‌ی اینها از برخی دولت‌های عربی، دشمنی برای ملت‌های خود ساخته؛ و شما جوانان مسئولیت از بین بردن این معادله‌ی باطل را بر دوش دارید.

شما عزیزان را دعوت میکنم که لبریز از امید و ابتکار و عمل باشید و شخصیت‌های خود را بسازید. به ساختن شخصیت‌های خود اهمیت دهید. آینده از آن شما خواهد بود اگر امروز به ساختن آن همت بگذارید. اگر آینده را ساختید، بهره‌مند شدن از نعمت‌های آن، به شما برخواهد گشت. از سلطه‌ی جهان کفر نهراسید و به وعده‌ی خدای عزوجل مطمئن باشید که فرموده‌ی او (سبحانه و تعالی) با صراحت هرچه تمام‌تر بیان میدارد: «یا می‌خواهند نیرنگی بزنند؟ ولی آنان که کافر شده‌اند، خود دچار نیرنگ شده‌اند». روز جمعه روز قدس است و دفاع از ملت مقاوم و مجاهد و فداکار فلسطین در آن روز، گام بلندی است در این راه. از خداوند تعالی برای شما و توفیق شما و مقاوم ماندن شما در این راه پُرفروغ دعا میکنم.